



دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
روابط عمومی

ویژه نامه

روز قدس

خبرنامه اطلاع رسانی داخلی
دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم



راهبردهای رهایی قدس شریف از نگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی (مدظله العالی)

مسئله قدس و فلسطین را می‌توان مسئله اول جهان اسلام و همچنین مهم‌ترین موضوع سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران دانست. نگاهی به تحولات و مناسبات بین‌المللی، به‌روشنی تأثیر مستقیم این مسئله را در معادلات و روابط دولت‌ها و نظام بین‌الملل نشان می‌دهد. در این میان، جمهوری اسلامی ایران نقش فعال و مسئولانه‌ای در خصوص مسئله قدس شریف و سرزمین فلسطین ایفا کرده است و رویکرد نظام اسلامی بر کسی پوشیده نیست. ناگفته پیداست که رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، در جایگاه ولی امر مسلمین، نقشی راهبردی در پیگیری مسئله فلسطین و راهبری امت اسلامی در مبارزه با موجودیت غاصب صهیونیستی داشته و سیاست‌ها و جهت‌گیری‌های کلان نظام اسلامی را نیز بر همین اساس تنظیم می‌نماید. از این رو، می‌توان راهبردهای کلان مسئله رهایی قدس شریف و نجات ملت مظلوم فلسطین را در کلام معظم‌له جست‌وجو کرد.

هدف نهایی، نابودی اسرائیل

در چارچوب هدف‌گذاری کلان انقلاب اسلامی، مسیر قطعی رهایی قدس و حل مسئله فلسطین، در گرو نابودی رژیم صهیونیستی است. هدفی که در ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی از سوی امام امت اعلام گردید و رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز بر آن تأکید نموده‌اند: «در مسئله فلسطین، آنچه که هدف است، استنقاذ فلسطین است؛ یعنی محو دولت اسرائیل. فرقی بین سرزمین‌های قبل از سال ۶۷ و بعد از آن نیست. هر یک وجب از خاک فلسطین، یک وجب از خانه‌ی مسلمین است. هر حاکمیتی غیر از حاکمیت مردم فلسطین و حاکمیت مسلمین بر کشور فلسطین، حاکمیت غاصب است. حرف، همانی است که امام راحل عظیم‌الشان فرمود: اسرائیل بایستی محو بشود. یهودی‌های فلسطین، اگر دولت اسلامی را قبول می‌کنند، در آنجا زندگی کنند. بحث، بحث یهودی‌ستیزی نیست. مسئله، مسئله غصب خانه‌ی مسلمین است.» (۱۳ آذر ۱۳۶۹)

هدف‌گذاری یادشده در نهایت چارچوب کلی راهبردهای جمهوری اسلامی ایران را نشان می‌دهد و البته مسئله‌ای دور از واقعیت‌ها نیست و بلکه قابل تحقق است. به تعبیر امام خامنه‌ای، «نظر ما نسبت به مسائل فلسطین روشن و واضح است. ما راه‌حل فلسطین را نابودی رژیم اسرائیل می‌دانیم. نگویند نمی‌شود؛ نمی‌شود در دنیا نیست. همه چیز شدنی است. همه‌ی کوه‌های عظیمی که مانع راه حرکت انسان‌ها باشد، برداشتنی است. چهل سال گذشته است، اگر چهل سال دیگر هم بگذرد، عاقبت دولت اسرائیل نابودشدنی است و باید نابود بشود. تا چند صباح قبل از این، هیچ‌کس فکر نمی‌کرد که ابرقدرت شرق این‌گونه متلاشی بشود.» (۲۸ مرداد ۱۳۷۰)

راهبردهای نجات فلسطین

همان‌گونه که اشاره شد، مبارزه تا نابودی رژیم اشغالگر قدس، جزء سیاست‌های کلان انقلاب و نظام اسلامی است، اما این مبارزه نیاز به عزمی فراگیر در همه‌ی امت اسلامی و آزادگان جهان دارد. از این رو، رهبر معظم

انقلاب برآن بوده و هستند تا خط مبارزه و مقاومت در جهان اسلام و مستضعفین نهاده و جریان‌سازی گردد. معظم‌له خط کلی مقاومت و مبارزه با موجودیت نامشروع صهیونیستی را در دو محور کلی خلاصه می‌نماید: «الف) زندانی کردن رژیم غاصب در درون مرزهای سرزمین اشغالی و تنگ کردن فضای تنفس اقتصادی و سیاسی آن و گسستن پیوندهای آن با محیط پیرامونش. ب) تداوم بخشیدن به مقاومت و مبارزه‌ی ملت فلسطین در داخل کشورشان و رساندن هرگونه کمکی که به آن نیاز دارند، تا تحقق پیروزی نهایی.» (۴ اردیبهشت ۱۳۸۰) با توجه به محورهای کلی حرکت مقاومت می‌توان راهبردهای رهایی قدس را چنین برشمرد:

۱. حمایت از مقاومت

حمایت از مقاومت مردم فلسطین در برابر اشغالگری، ابتدایی‌ترین اقدامی است که در جهت حل مسئله می‌توان به کار بست. این حمایت می‌تواند از جنبه‌های گوناگون مادی و معنوی انجام پذیرد. سیاست جمهوری اسلامی ایران نیز در طول ۳۵ سال گذشته، بر همین مدار حرکت کرده است. امام خامنه‌ای در تبیین این مهم می‌فرماید: «این استقامت را، این روحیه را باید در مردم هرچه می‌توانید پایدار کنید... این مقاومت و مبارزه، متوقف است بر حفظ روحیه‌ی این مردم، حفظ امید این مردم، نگه داشتن مردم در صحنه. این، به نظر من، بزرگ‌ترین کاری است که مجموعه‌های فلسطینی و سازمان‌های فلسطینی، مبارزان فلسطینی باید انجام بدهند.» (۸ آبان ۱۳۸۸) به بیان معظم‌له، «این حمایت، بایستی وسیع و همه‌جانبه باشد. هم حمایت سیاسی، هم حمایت تبلیغاتی، هم حمایت اخلاقی و هم حمایت نظامی لازم است. هرچه ممکن بشود، لازم و تکلیف است. مسلمین دنیا ببینند، کدام‌یک از انواع این حمایت‌ها را می‌توانند بکنند. هرچه را که دانستند، تکلیف شرعی آن‌هاست و از آن نباید تخلف بکنند.» (۱۳ آذر ۱۳۶۹) بر این اساس، دولت جمهوری اسلامی ایران بدون هیچ‌گونه واهمه از فشارهای حامیان صهیونیست‌ها، حمایت آشکار خود از گروه‌های مقاومت را اعلام داشته است: «ما آنجایی

که دخالت کنیم، صریح می‌گوییم. ما در قضایای ضدیت با اسرائیل دخالت کردیم؛ نتیجه‌اش هم پیروزی جنگ ۳۳ روزه و پیروزی جنگ ۲۲ روزه بود. بعد از این هم هر جا هر ملتی، هر گروهی با رژیم صهیونیستی مبارزه کند، مقابله کند، ما پشت سرش هستیم و کمکش می‌کنیم و هیچ ابایی هم از گفتن این حرف نداریم. این حقیقت و واقعیت است.» (۱۴ بهمن ۱۳۹۰)

حمایت از مقاومت فلسطینی البته محدود به دولت‌ها هم نیست و اتحاد مسلمین بایستی در آن مسئولانه نقش ایفا کنند: «همه‌ی ملت‌ها هم می‌توانند در اثرگذاری بر این قضیه تأثیر داشته باشند و در آن شرکت کنند. همه‌ی ملت‌های مسلمان می‌توانند کمک کنند. کمک مالی به فلسطینی‌ها، مخصوص به دولت‌ها نیست... امروز ملت فلسطین محتاج غذاست، محتاج داروست. ملت فلسطین گدا نیست، آقا، اما زیر سلطه‌ی دشمن است. همه موظف‌اند به آن کمک کنند. فرض بفرمایید اگر در همه‌ی دنیای اسلام (در کشور ما و کشورهای دیگر) هر فردی از افراد مردم فقط هزار تومان به مردم فلسطین کمک کند، ببینید چه اتفاقی می‌افتد! یک میلیارد هزار تومان، چه تأثیری در مردم فلسطین و زندگی مردم فلسطین می‌گذارد!» (۱۶ فروردین ۱۳۸۱)

طبعاً رزمندگان مقاومت فلسطینی نیز بایستی در خط مقدم نبرد وظیفه‌ی اصلی خود را بشناسند و با دست یازیدن به دو اصل اساسی «توحید کلمه» و «کلمه‌ی توحید»، که نشان‌دهنده خط و جهت‌گیری کلی مقاومت است، در جهت رهایی قدس لحظه‌ای تامل نورزند. به تعبیر رهبر معظم انقلاب اسلامی، «نجات فلسطین با دیروزی از سازمان ملل یا از قدرت‌های مسلط و به طریق اولی از رژیم غاصب به دست نمی‌آید. راه نجات فقط ایستادگی و مقاومت است؛ با توحید کلمه‌ی فلسطینیان و کلمه‌ی توحید که ذخیره‌ی بی‌پایان حرکت جهادی است. ارکان این مقاومت، از سویی گروه‌های مجاهد فلسطینی و اتحاد مردم مؤمن و مقاوم فلسطین در داخل و خارج آن کشورند و از سویی دیگر، دولت‌ها و ملت‌های مسلمان در سراسر جهان، به‌ویژه عالمان دینی و روشن‌فکران و نخبگان سیاسی و دانشگاهیان. اگر





سوفت تحریر

قدّر الله ان فلسطين

تقدیر خداوند این است که فلسطین آزاد خواهد شد.

Avatollah Khamenei, Supreme Leader of the Islamic Republic of Iran

Allah Has Ordained That Palestine Will Be Liberated.

KHAMENEI.IR

جهانی است، اما واضح است که صهیونیست‌های غاصب و حامیان غربی آنان، حاضر به پذیرش آن نیستند؛ چراکه در طول همدی هفت دهه‌ی گذشته، تلاش نظام سلطه بر این بوده است که مانع شنیده شدن صدای ملت مظلوم فلسطین گردد و روشن است در صورت فرصت یافتن این ملت در تعیین سرنوشت خود، یک‌صدا رهایی فلسطین و نابودی اسرائیل غاصب را فریاد خواهند زد. جالب اینجاست که حتی اگر برای مهاجران غیرقانونی صهیونیست که در سال‌های پس از ۱۹۴۸ خانه‌ها و زمین‌های فلسطینیان را غصب کرده‌اند، حتی قائل شویم، باز هم برتری ترکیب جمعیتی فلسطینیان باعث خواهد شد نتیجه‌ی همه‌پرسی به نابودی رژیم صهیونیستی منجر گردد. از این روست که در طی همدی مذاکرات سازش در سه دهه‌ی گذشته، خط‌قرمز صهیونیست‌ها، بازگشت آوارگان فلسطینی بوده و به هیچ روی حاضر به پذیرش این مسئله نبوده و نیستند. طبیعی است در شرایطی که اشغالگران صهیونیست به هیچ عنوان حاضر به پذیرش حق ملت فلسطین در تعیین سرنوشت خود نیستند، آن چیزی که می‌تواند معادله‌ی قدرت را در این سرزمین به نفع صاحبان اصلی آن تغییر دهد، تنها و تنها مقاومت است. تجربه‌ی تاریخی سی سال گذشته و خصوصاً در جنگ‌های ۳۳ روزه، ۲۲ روزه و ۸ روزه نیز به‌خوبی نشان داد رهایی قدس شریف و نجات فلسطین تنها از مسیر مقامات و مبارزه‌ی بی‌امان و پشتیبانی تمام‌عیار امت اسلامی می‌گذرد.

شده، برخلاف خواسته‌ی دستگاه‌های استکباری، به نفع ملت‌ها وارد شوند؛ افکار عمومی را در دنیا به خودشان متوجه کنند، ظالم و متجاوز را محکوم و ملت مظلوم فلسطین را تأیید کنند. اگر این فشارها انجام گیرد، طرح ایران در مورد فلسطین عملی خواهد بود و متجاوز مجبور خواهد شد. اگر دولت‌های عربی، دولت‌های اسلامی، ملت‌های مسلمان و مجامع جهانی، همه در این راه فعال شوند، آن کار، عملی است.» (۱۶ فروردین ۱۳۸۱)

۳. حق تعیین سرنوشت

در نهایت راهبرد عملیاتی پیشنهادی جمهوری اسلامی ایران، که مطابق موازین شناخته‌شده‌ی بین‌المللی نیز هست و تاکنون بارها از سوی کشورمان مطرح گردیده است، حل مسئله‌ی فلسطین از طریق حق تعیین سرنوشت صاحبان اصلی آن است. براساس این راهبرد، که از سوی امام خامنه‌ای مطرح گردید، «همه‌ی فلسطینی‌ها، چه ساکنان کنونی آن و چه کسانی که به کشورهای دیگر رانده شده و هویت فلسطینی خود را حفظ کرده‌اند، اعم از مسلمان و مسیحی و یهودی، در یک همه‌پرسی عمومی، با نظارتی دقیق و اطمینان‌بخش شرکت کنند و ساختار نظام سیاسی این کشور را انتخاب نمایند و همه‌ی فلسطینیانی که سال‌ها رنج آوارگی را تحمل کرده‌اند، به کشور خود بازگردند و در این همه‌پرسی و سپس تدوین قانون اساسی و انتخابات، شرکت نمایند. آن‌گاه صلح برقرار خواهد شد.» (۹ شهریور ۱۳۹۱)

این طرح در نهایت به نفع بشریت و ملت مظلوم فلسطین است و البته «طرحی روشن، منطقی و منطبق بر معارف سیاسی پذیرفته‌شده‌ی افکار عمومی جهانی» است. براساس این طرح، صاحبان اصلی فلسطین (یعنی کسانی که خود و یا پدران‌شان در سال‌های قبل ۱۹۴۸ و قبل از اشغال فلسطین در این سرزمین متولد شده‌اند) در یک همه‌پرسی براساس موازین رایج بین‌المللی در خصوص سرنوشت این سرزمین و دولت آینده‌ی آن تصمیم‌گیری خواهند کرد. «آن نظام و دولت برآمده‌ی از آن، پس از استقرار، تکلیف مهاجران غیرفلسطینی را، که در سالیان گذشته به این کشور کوچ کرده‌اند، معین خواهد کرد.» (۹ مهر ۱۳۹۰) هرچند این طرح مورد قبول همه‌ی وجدان‌های بیدار

این دو رکن مستحکم در جای خود قرار گیرند، بی‌شک وجدان‌های بیدار و دل‌ها و اندیشه‌هایی که افسون تبلیغات امپراتوری خبری استکبار و صهیونیسم، آن‌ها را مسخ نکرده، در هر نقطه‌ی عالم به یاری ذی‌حق و مظلوم خواهند شتافت و دستگاه استکبار را در برابر طوفانی از اندیشه و احساس و عمل قرار خواهند داد.» (۱۴ اسفند ۱۳۸۷)

۲. فشار بر صهیونیست‌ها و حامیان غربی آنان

امت اسلامی امروز بر راهبردی‌ترین منابع و گذرگاه‌های راهبردی جهان مسلط است و این تنها بخشی از ابزارهایی است که جهان اسلام می‌تواند با بهره‌گیری از آن‌ها حق ملت مظلوم فلسطین را از دشمنان بازستاند. امام خامنه‌ای در این خصوص می‌فرماید: «از جمله کارهای مهمی که دولت‌های عرب می‌توانند بکنند این است که صادرکنندگان نفت از نفت استفاده کنند. این حرفی که غربی‌ها در دنیا به راه انداخته‌اند که از سلاح نفت استفاده نکنید، حرف درستی نیست. نفت مال ملت‌هاست و باید به سود خودشان از آن استفاده کنند. آمریکایی‌ها از گندم و از محصولات غذایی به‌عنوان سلاح استفاده کردند؛ در خیلی جاهای دنیا هم می‌کنند. چرا کشورهای اسلامی و عربی این حق را نداشته باشند؟ یک ماه (فقط یک ماه) به‌صورت نمادین و سمبلیک، صادرات نفت را به همه‌ی کشورهای که با اسرائیل روابط حسنه دارند قطع کنند. امروز دنیا حرکت را (حرکت کارخانه‌ها)، روشنایی و انرژی را (انرژی برق) و حرارت را، که سه عنصر اصلی زندگی‌اش است، از نفت ما دارد. اگر نفت ما در اختیار آن‌ها قرار نگیرد، حرکت کارخانجات، روشنایی و حرارت متوقف خواهد شد. مگر این چیز کمی است؟ دولت‌های عرب به‌خاطر خودشان این کار را نکنند. یک ماه (نه اینکه دائم) به‌صورت نمادین به‌عنوان حمایت از ملت فلسطین این کار را بکنند، دنیا تکان می‌خورد.» (۱۶ فروردین ۱۳۸۱)

طبیعی است که ملت‌های آزاده و مسلمان نیز از این چنین تصمیمات انقلابی و آزادی‌خواهانه حمایت خواهند کرد؛ چراکه ملت‌ها در قضیه‌ی فلسطین از دولت‌ها به‌مراتب جلوتر هستند. «کار دیگری که می‌توانند بکنند این است که تمام روابط و قراردادهای سیاسی و اقتصادی خودشان را با دولت صهیونیست قطع کنند و هیچ همکاری نکنند. ملت‌های عرب از این خوشحال خواهند شد. ملت‌های عرب پشت سر آن دولت‌هایی قرار خواهند گرفت که این اقدام شجاعانه را بکنند. وای به حال آن دولتی که ملتش بفهمد از پشت سر با اسرائیل رابطه‌ی اطلاعاتی و امنیتی و غیره دارد! دولت‌های اسلامی هم موظف‌اند. آن‌ها هم وظیفه‌شان کمتر از دولت‌های عربی نیست، چون این قضیه، قضیه‌ی عربی نیست. این قضیه فراتر از این‌هاست. یک قضیه‌ی انسانی و اسلامی است. دولت‌های اسلامی هم هر کدام که توانایی‌های نفتی و امثال آن را دارند، همین‌طور می‌توانند عمل کنند.» (۱۶ فروردین ۱۳۸۱)

اقدام دیگری که تا حدی می‌تواند مؤثر واقع شود، فعال نمودن ظرفیت‌های بشردوستانه و بین‌المللی برای فشار به غاصبان صهیونیست است: «مجامع جهانی و سازمان ملل باید فعال شوند. این مجامع حقوق بشر که همیشه یا غالباً در خدمت هدف‌های استکباری‌اند، ولو یک‌بار هم